

درباره تاریخ و پیشینه روستایی در مجاورت وکیل آباد که امروز کسی از آن خبر ندارد

رد و نشانی از کارگاه‌های کرباس بافی در «پاچنار»

روزی روزگاری مشهد

مرضیه ترابی | ظاهرا نام پاچنار در ایران، یک نام رایج و عام است. درخت چنار به‌عنوان یک درخت تناور با کارایی عمرانی که البته گاه عمر چندصدساله پیدا می‌کند، همیشه نماد خوبی برای نشانه‌گذاری بوده است و از آن برای نشانی دادن و تعیین حدود اراضی استفاده می‌کرده‌اند. این رویکرد درمورد دیگر درختان بومی ایران هم که عمری دراز پیدا می‌کنند، مانند «توت»، عمومیت دارد و اسم آن‌ها هم با همین منظور کاربردی شده است. به همین دلیل، نام پاچنار را به عنوان اسم مکان، می‌توان در اغلب نقاط ایران که مردمانش به زبان فارسی تکلم می‌کنند، پیدا کرد. در تاریخ مشهد، نام پاچنار، نامی آشنا و شناخته شده است؛ محله یا بهتر بگویم خرده‌محله‌ای به این نام در مشهد وجود داشت و نیز حمامی که ظاهرا در محله نوغان قرار گرفته و از شهرت بالایی برخوردار بود، نام این محله و حمام، در بسیاری از اسناد تاریخی شهر مشهد دیده می‌شود. با این حال، این اماکن تنها مکان‌هایی نیستند که در تاریخ مشهد برجسب «پاچنار، خورده‌اند. در اطراف مشهد نیز مکان‌هایی به این نام وجود داشت که خاطره برخی از آن‌ها در دل تاریخ محو شده و از تعدادی دیگر، تنها نشانه‌های اندکی باقی مانده است. امروز می‌خواهم درباره یکی از این پاچنارها حرف بزنم که از پیوستنش به مشهد، بیشتر از چهار دهه نمی‌گذرد و روزگاری، مزعه‌ای زیبا با چشم‌اندازی بکر در کرانه‌های جنوبی جاده مشهور مشهد به طرفه بود، جاده‌ای خاطره‌انگیز که مشهدی‌های را به گردشگاه زیبای وکیل آباد، یادگار ماندگار حاج حسین آقا ملک، می‌رساند.

- کاوش در جغرافیای تاریخ پاچنار**

مهدی سیدی در کتاب «نگاهی به جغرافیای تاریخی شهر مشهد، درباره پاچنار موردنظر ما اطلاعات محدودی به‌دست می‌دهد؛ «این روستا که بقایای مظهر قنات و یکی دو باغ آن هنوز در انتهای بولوار اقبال لاهوری (ایضانتهای لادن۲۱) باقی است، میان روستاهای نودزه و وکیل آباد واقع بوده و در حدود سال ۱۳۶۰ تقریبا پانزده خانوار جمعیت داشته و در دهه ۷۰ قرن حاضر اراضی آن جزو شهرداری منطقه ۹ مشهد شده است.

محل ویرانه‌های این روستا روی نقشه شهر مشهد با نام شهرک پاچنار مشخص است. « در گزارش‌های دوره قاجار، مانند «کتابچه میان‌ولایت» اطلاعاتی درباره پاچنار وجود ندارد. البته این فقدان اطلاعات، دلیل بر فقدان روستا و تاریخچه آن نیست. قطع به‌یقین، پاچنار قدمت نسبتا زیادی داشته است. قرار گرفتن آن در محدوده بیلاقی مشهد باعث می‌شد که روستای مزبور، به عنوان مقصد گردشگری‌های یک یا چندروزه مشهدی‌ها در نظر گرفته شود. حسینیعلی رزم‌آردر جلد نهم «فرهنگ جغرافیایی ایران» اطلاعات نسبتا خوبی از پاچنار در اختیار ما قرار می‌دهد که مربوط به اواخر دهه ۱۳۲۰ خورشیدی است و می‌تواند چشم‌انداز مناسبی از وضعیت روستا را پیش روی ما بگذارد، «ده از دهستان مرکزی بخش طرقلیه شهرستان مشهد/ شش کیلومتری خاور طرقلیه/ یک کیلومتری جنوب شوسه عمومی مشهد به طرقلیه/ جلگه/معتدل/سکنه ۱۳۲/ شیعه/ زبان فارسی/ آبیاری با قنات/ محصولات شامل میوه جات، غلات، تریاک/ شغل اهالی زراعت و کرباس بافی/ راه اتومبیل رو دارد. « این اطلاعات مختصر با شواهد موجود در نقشه سال ۱۳۴۰ خورشیدی که احمد ماهوان آن رادر کتاب «تاریخ مشهد قدیم» آورده‌است، تکمیل می‌شود. طبق این نقشه، در جنوب روستا یا مزرحه پاچنار، روستای «نودر» قرار داشت (سیدی آن را نودره ذکر می‌کند). در غرب و شمال غربی آن، اراضی وکیل آباد واقع بود و البته کارخانه آجرسوز مشهد که تا اوایل دهه ۱۳۵۰ خورشیدی فعالیت می‌کرد. اراضی شمالی پاچنار به حدود بولوار تربیت امروزی می‌رسید، جایی که در آن ودر سال ۱۳۴۰ خورشیدی، سنگ بنای زندان جدید مشهد را گذاشتند.

طبق نقشه مذکور، در جنوب شرقی پاچنار هم اراضی متعلق به کارخانه کوکا کولا قرار گرفته بود (این اطلاعات با آنچه در ادامه و در قسمت بررسی اسناد خواهم آورد، تکمیل می‌شود). به این ترتیب، پاچنار روستایی به حساب می‌آمد که هنوزبه شهرنیپوسته، گرفتار معضلات شهری بود؛ هبیا هو ی جمعیت گردشگران و آلودگی‌های ناشی از فعالیت کارخانه‌ها حتما برای اهالی آزاد رهند، بوده‌است. هرچند اطلاعاتی در این باره وجود ندارد، می‌توان پاچنار را هم مانند دیگر روستاها و مزارع اطراف مشهد، صاحب قلعه و برخی تأسیسات و زیرساخت‌های لازم برای زندگی دانست. پاچنار نسبت به برخی دیگر از روستاهای اطراف مشهد، مانند «کارک» (که درباره آن قیلا صحبت کردیم) جمعیت شایان اعتنایی داشت و

به نظر می‌رسد باید زیرساخت‌هایی مانند حمام، مسجد و حتی یخچال در آن موجود بوده باشد. نکته درخوردگر دیگر درباره پاچنار، چشم‌انداز اقتصادی آن است. در پیشینه این روستا، تنوع تولیدات و فعالیت‌های کشاورزی و حتی صنعتی دیده می‌شود؛ علاوه بر میوه‌های مرغوب که حاصل باغات پرمحصول آن بود، در این روستا خشخاش کشت می‌شد و در دهه ۱۳۲۰ خورشیدی و قبل از آن، استحصال تریاک متداول بود، هر چند که طبق قانون «انحصار دولتی تریاک»، مصوب ۲۶ تیرماه ۱۳۰۷ خورشیدی، کشاورزانی مانند اهالی پاچنار، ناچار بودند محصول خود را به دولت بفروشند. بنابراین می‌توان تصور کرد که مأموران اداره انحصار تریاک، از بر فرت و آمدترین افراد غیربومی به روستای پاچنار بوده‌اند. از سوی دیگر، کارگاه‌های کرباس بافی نیز در این روستا فعال بودند و احتمالا به‌عنوان قطب تولید این محصول در روستاهای غرب مشهد به حساب می‌آمدند. در گزارش‌های حسینیعلی رزم‌آرا (فرهنگ جغرافیایی ایران) هیچ اشاره‌ای به فعالیت‌های پارچه بافی در روستاهای این منطقه نشده و تنها روستای واجد این فعالیت صنعتی، روستای پاچنار است. «کرباس» نوعی پارچه نخی و از جنس پنبه بود که برای دوخت لباس‌های روستاییان منطقه کاربری گسترده داشت. وجود کارگاه‌های کرباس بافی در پاچنار این ظن را تقویت می‌کند که احتمالا بخشی از



محدوده پاچنار بر روی نقشه فعلی مشهد

محصول منطقه «پنبه» بوده است. وجود مزارع پنبه می‌توانست در توسعه صنعت کرباس بافی مؤثر باشد، هر چند که نبود آن هم مانع از فعالیت کرباس بافی در پاچنار نبود و این احتمال قوی است که اهالی نخی یا پنبه مورد نیاز را از جاهای دیگر خریداری می‌کرده‌اند.

- سندی ویژه درباره پیشینه پاچنار**

گفتم که نام پاچنار در اسناد قدیمی شهر مشهد و آستان قدس رضوی چندان پرتکرار و فراوان نیست. ظاهرا این روستا موقوفه نبوده و به همین دلیل، کمتر رد و نشانی از آن در اسناد آستان قدس رضوی – که باید آن را مجموعه‌ای منظم و منحصربه‌فرد در ایران بدانیم – دیده می‌شود. قدیمی‌ترین و مهم‌ترین سندی که در آن نامی از پاچنار به چشم می‌خورد، سندی مربوط به پاییز سال ۱۳۰۸ خورشیدی است، دعوایی حقوقی میان «حاج محمد اعتمادالتجار»، مالک وقت روستای پاچنار، و آستان قدس رضوی بر سر حقایق این روستا از محل خروجی بند گلستان. اعتمادالتجار که در اسناد از وی با نام «اعتماد» هم نام برده شده است، قصد دارد که براساس قانون ثبت، روستای پاچنار را به نام خودش سند بزند و ادعا می‌کند که این روستا به‌صورت سنتی، سهمی از آب خروجی بند گلستان که متعلق به آستان قدس رضوی و مسجد گوهرشاد است، دارد. علاوه بر این‌ها، حاج محمد اعتماد مدعی مالکیت

حمام «آغچه» در تصویری ۵۴ ساله



این روایت ظاهرا تنها روایت درخوار اعتنا درباره حمام آغچه است. حمام یاد شده از همان ابتدا موقوفه آستان قدس رضوی بود و به همین دلیل در بایگانی مرکز اسناد طبرسی را می‌بینید که اوایل دهه ۱۳۵۰ اسناد قدس در کتاب «تاریخ فرهنگ خراسان»، بازار آغچه که نام حمام را از آن گرفته‌اند، در زمان فضل... و زیرنظام، از نایب‌التولیه‌های خوش‌نام حرم مطهر رضوی در دوره قاجار، به بازار سنگ تراشان اختصاص یافت. این

SHAHRAHNEWS.IR

۱۵



تاریخ و هویت

تقویم تاریخ

به بهانه تصویب قانون بلدی به ۱۲ خرداد ۱۲۸۶ خورشیدی

اداره شهر به شیوه جدید



حسین بیات| بلدیة را می‌توان نخستین گام ایرانیان برای تشکیل یک نهاد رسمی برای مدیریت شهری در قالب نظام جدید اداری در ایران قلمداد کرد که ابتدا در پایتخت و چند شهر بزرگ کشور اجرا شد. این واژه از دو کلمه «بلدی» و «» تشکیل شده است و به معنای نگهبان بلد و حافظ نظم است و دهخدا آن را چنین تعریف کرده است: «مؤسسه‌ای در هر شهر که به کار نظافت و خوبی آب‌وتان و چراغ و سوخت و خواروبار و صحت نظر دارد.» این واژه در سال ۱۳۱۴ خورشیدی و با تصویب فرهنگستان زبان و ادب فارسی به شهرداری تبدیل شد اما اگر ریزتر نگاه کنیم، سابقه ایجاد نهادی برای انجام امور شهری در ایران بعد از اسلام، به دوره حکومت عباسیان باز می‌گردد. در این دوره وظایف نهادهایی همچون شهرداری، نیروی انتظامی، دادگستری، اصناف، سازمان آب، اداره اماکن، تعزیرات حکومتی، سازمان بهداشت و اداره غله بر عهده نهادی با نام «حسبه» بود که زیر نظر مستقیم محتسب و حاکم شهر فعالیت می‌کرد.

- تلاش نافرجام در عصر ناصری**

در دوره قاجار، سفر به فرنگ ناصرالدین شاه را با ساختار شهری آنجا آشنا کرد و او پس از بازگشت دستور داد با حل مشکلات مربوط به روشنایی، نظافت و امور شهری، وضع شهرها در ایران بهبود یابد. در زمان برپایی دارالخلافه ناصری، کوچه‌ها و خیابان‌های پایتخت خاکی و شهر فاقد امکانات، خدمات شهری و روشنایی بود، برای همین شاه قاجار، برسدن به هدف مدنظر خود، میرزاعباس خان مهندس باشی را که از محصلان اعزامی دولت به فرانسه بود، به ایران دعوت و مسئول این کار کرد. میرزاعباس در نخستین قدم به سامان دهی بازار تهران پرداخت که با اعتراض وسیع بازاریان روبه‌رو شد و شاه هم برای پایان دادن به اغتشاشات، ساده‌ترین کار را انتخاب کرد، او نهاد تازه‌تأسیس را تعطیل کرد. با این عمل، اولین گام اداره امور شهری به سبک جدید با شکست مواجه شد. شرایط به همین منوال بود تا پس از فتح تهران و آغاز مشروطیت، گام‌های جدیدی در راستای اداره شهر به سبک غربی در ایران برداشته شد. در همین راستا مشروطه‌طلبان تصمیم گرفتند به‌صورت اصولی اوضاع شهر تهران را سامان دهی و کسی را برای ریاست شهر منصوب کنند تا مسئول اجرای امور شهری باشد. این تفکر، مقدمه تأسیس نهادی شد با عنوان «بلدیة».

اهداف اولیه از ایجاد بلدیة، حفظ منافع شهرها و شهروندان، اداره دارایی‌های منقول و غیرمنقول، ساخت و تجهیز و نظافت معابر شهری، ایجاد تسهیلات برای دسترسی آسان مردم به مواد غذایی و... بود. مجلس شورای ملی که خود تازه شکل گرفته بود، برای دستیابی به چنین اهدافی، محمدخان قاجار دلول را مأمور تدوین نظام‌نامه بلدیة کرد. او جزوه‌ای درباره وظایف و محدوده فعالیت‌ها و اختیارات بلدیة با ترجمه و اقتباس از قوانین شهرداری‌های فرانسه و بلژیک تدوین کرد. این نظام‌نامه، در دوره محمدعلی‌شاه، در پنج فصل و ۱۰۸ ماده در بیستم ربیع الثانی ۱۳۲۵ قمری، برابر با ۱۲ خرداد ۱۲۸۶ خورشیدی، به تصویب مجلس شورای ملی رسید و به استناد آن نام‌گذاری بسیاری از خیابان‌ها و کوچه‌های شهر، شماره‌گذاری خانه‌ها و دکان‌ها، تأمین روشنایی در شب، رساندن آب آشامیدنی به خانه‌ها و نظافت و آب پاشی خیابان‌ها نیز آغاز شد. بر اساس قانون یادشده، رئیس بلدیة منتخب و تابع «انجمن بلدیة» بود و اصلی‌ترین وظایف و اختیارات او، تحقق بخشیدن به حقوق اساسی شهروندان بود که به دلایلی مانند کارشنکی داخلی و وجود حکومت استبدادی پایمال شده بود.

- معدلت رضوی قبل از انجمن بلدیة**



خراسان در این دوره از مناطقی بود که به دلیل فشارهای سرکوب‌کننده داخل و اختلاف میان گروه‌های آن دیرتر و متفاوت‌تر از سایر نقاط کشور مشروطیت را پذیرفت. اولین اقدام مهم مشروطه‌طلبان در مشهد تحصن در مسجد گوهرشاد و درخواست تشکیل انجمن ایالتی بود. طبقات مختلف مردم در این تحصن شرکت داشتند. ایشان از مسجد به سوی منزل حاج میرزا حبیب‌ا... مجتهد حرکت کردند و خواهان تشکیل انجمن ایالتی بودند. در واقع، این اولین اقدام عملی مردم برای تشکیل مهم‌ترین نهاد تصمیم‌گیر غیردولتی در مشهد بود که در سال‌های بعد بر انتخابات بلدیة تأثیر مستقیم گذاشت.

پس از همراهی علمای بزرگ و تشکیل انجمن معدلت رضوی، قرار شد از هر صنف وکیل انتخاب و جلسات انجمن هفته‌ای سه بار در روزهای یکشنبه، چهارشنبه و پنجشنبه به ریاست حبیب... مجتهد به منزل وی برگزار شود. از اعضای این انجمن می‌توان به حاج‌علی اکبر، نماینده صنف خبازان، حاج رمضانعلی از طرف شرعیاقان، میرزا محمدرضا قطب‌الواعظین، نماینده صنف ذاکرین، سید عبدالباقی و فاضل قائنی از طرف طلاب و صدراعلما، حاجی ابوالقاسم ناظم‌التجار، معین‌التجار و محمذباقرمدرس رضوی اشاره کرد. تشکیل انجمن از پیروزی‌های بزرگ مشروطه‌خواهان در مشهد بود و به امور گوناگونی همچون تعطیل کردن شیره‌کش خانه‌ها، ارتباط با انجمن‌های شهرستان‌ها و مجلس شورای ملی در تهران، بررسی مسائل امنیتی در ایالت خراسان و دادن تذکر به حاکم مشهد منجر شد.

از مهم‌ترین مشکلات انجمن می‌توان به نبود زمینه لازم برای عملی شدن تصمیمات، فشار زیاد به انجمن برای حل مشکلاتی که بیشتر آن‌ها در حد اختیارشان نبود و همچنین همکاری نکردن حاکم شهر با ایشان اشاره کرد. این مسائل بر کارکرد انجمن بلدیة نیز تأثیر مستقیم گذاشت.

برداشت‌های متفاوت از قانون ایالت و ولایت و حوزه اختیارات آن که به نوعی دامن‌گیر انجمن‌های سراسر کشور شده بود، در مشهد نیز نمود داشت. این نبود آشنایی کار را تا ورود مجلس اول به مسئله اختیارات انجمن‌ها و متهم شدن انجمن‌ها به تداخل در امور حاکمیتی پیش برد و با دلسرد شدن مردم و اعضای انجمن‌ها، زمینه تأثیرگذاری آن‌ها را به‌تدریج کم‌رنگ کرد. خوشبختانه بعد از ابلاغ قانون بلدیة برخی روزنامه‌ها تلاش کردند برای وظایف انجمن اطلاع‌رسانی کنند و مردم را به اجرای آن و شرکت در انتخابات بلدی ترغیب کنند؛ نمونه بارز این تلاش در روزنامه صبح صادق بود که نویسنده مطابق با قانون ابلاغی و توقعات مردم از انجمن بلدی به‌طور مفصل به وظایف این انجمن پرداخت.

منابع گزارش اداره شهر به شیوه جدید: برگرفته از تارنامای سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران و کتاب «بلدیة قاجاری، تاریخچه تأسیس و توسعه اول دوره قاجاری، پژوهش ابوالفضل حسن‌آبادی